

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۲

هزار و سیصد و نود و هفت - نیمسال دوم (دوقصلنامه)

- برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۵ بهارک شاهد - دکتر نسرین مهر
- مبانی «نظریه انتخاب منطقی» در پیشگیری وضعی
۳۱ دکتر مهدی مقیمی
- پیشگیری از انتقال عواید ناشی از جرایم سازمان‌یافته در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی
۵۷ یاسر غلام‌نژاد - دکتر محمدعلی مهدوی‌نابت
- بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به حقوق شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی و میزان انطباق آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای
۹۹ عباس اختری - دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان
- تحلیل حقوقی بزه تغییر کاربری غیرمجاز از طریق دیوارکشی اراضی زراعی و باغ‌ها با تأکید بر رویه قضایی
۱۲۵ دکتر حمید بهره‌مند - ناصر قنبریان
- تحلیل کیفرشناختی قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۵ شمسی
۱۵۳ دکتر مهدی صبوری‌پور - ایرج خلیل‌زاده
- امکان‌سنجی کاربست نهادهای جزایی نوپیدا در حدود
۱۸۳ حسین خدایار - دکتر رحیم نوبهار



برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

بهارک شاهد* - دکتر نسرین مهرا**

چکیده

الگوی دادرسی منصفانه، به لحاظ سازگاری با مفهوم عدالت در اسلام، مبانی آیین دادرسی کیفری، قانون اساسی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۹۶، موازین حقوق بشر و عقل سلیم، باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد و بدون آن نظام عدالت کیفری با بحران مواجه خواهد شد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به صراحت به لزوم منصفانه و عادلانه بودن دادرسی اشاره نکرده، اما به ضرورت تحقق برخی از شاخص‌های دادرسی منصفانه نظر داشته است، لکن به دلیل عدم الگوگرایی و قرار نگرفتن مواد قانون تحت پوشش الگوی منسجم و نظام‌مند و وجود موانع ساختاری و قانونی، امکان تحقق دادرسی منصفانه با چالش جدی مواجه است، به طوری که اشاره پراکنده قانون‌گذار به برخی از معیارها، بدون در نظر گرفتن ضوابط خاصی، موجب منصفانه شدن دادرسی نخواهد شد. از آنجایی که الگو، بررسی دقیق و پیش‌بینی عملکرد آینده نظام عدالت کیفری را محقق می‌سازد، از این رو با نظر بر امکان یا عدم تحقق دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری، برخی از شاخص‌های مهم الگوی دادرسی منصفانه یعنی، استقلال و بی‌طرفی سازمان قضایی، برابری قضایی و حفظ حقوق طرفین دعوا در سه گفتار مورد بررسی قرار گرفته است.

صفحه ۵-۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰
مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۲، نیمسال دوم ۱۳۹۷

* دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: baharak.shahed@gmail.com

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیئت علمی نیمه‌وقت گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول

Email: n_mehra@sbu.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

دادرسی منصفانه، برابری سلاح‌ها، حقوق متهم، بی‌طرفی مقام قضایی.

مقدمه

الگوی دادرسی^۱، اولین بار توسط هربرت پاکر^۲ استاد حقوق کیفری دانشگاه استنفورد مطرح شده است و به معنای، یک ساخت تئوریک یا نظری هست که شناخت نوع و ویژگی‌های فرایند کیفری و پیش‌بینی عملکرد آینده آن را ممکن می‌سازد.^۳ نظام دادرسی حاکم بر فرایند کیفری، با توجه به اهداف و مفاهیم الگو مورد شناسایی قرار می‌گیرد. عدم وابستگی نظام عدالت کیفری به الگوی دادرسی مشخصی، به معنای عدم وجود هدف مشخص در وضع مقررات آیین دادرسی کیفری و تضاد آیین دادرسی کیفری با مبانی خود، در نتیجه مواجه شدن نظام عدالت کیفری با بحران است، چراکه هر قانونی تحت پوشش نظام دادرسی مشخص، امکان تحقق اهداف خویش را دارد و صرف پیاده کردن قوانین دادرسی کیفری در تشکیلات قضایی نمی‌تواند هدف وضع آنها باشد، بلکه قانون‌گذاری است که اهداف آیین دادرسی کیفری را محقق می‌نماید، در این میان دیدگاه‌های بنیادی قانون‌گذار، نوع حکومت، مکتب حقوقی و فلسفه عدالت کیفری دولت، در انتخاب الگوی دادرسی غالب تأثیرگذار است. الگوگرایی، به تمامی مواد قانون آیین دادرسی کیفری، آرایش و انسجامی مطابق با اهداف نظام عدالت کیفری می‌بخشد و زمینه اجرایی شدن اصول قانونی را که وجود آیین دادرسی کیفری را توجیه می‌نمایند، فراهم می‌کند، منظور از الگوگرایی، گرایش قانون‌گذار به الگوهای فرایند کیفری می‌باشد که بر اساس مبانی آیین دادرسی کیفری، سیاست جنایی دولت، مکاتب حقوقی و نوع نظام سیاسی،^۴ الگوهای متعددی با کارایی و معیارهای متفاوت می‌تواند اتخاذ شود. برخی از این الگوها مانند الگوی دادرسی منصفانه، عام و فراگیر هستند، یعنی معیارهای آن امکان تحقق موارد بیشتری از مبانی آیین دادرسی کیفری یعنی حفظ حقوق و آزادی افراد و تحقق عدالت و انصاف را فراهم می‌کنند و نحوه تنظیم اکثر مواد قانون آیین دادرسی کیفری را مشخص می‌کند، برخی دیگر از الگوها خاص بوده یعنی در برخی از مراحل فرایند

1. Model of Criminal Proceeding.

2. Herbert L. Packer.

3. Kent Roach, *Due Process and Victims' Rights: The New Law and Politics of Criminal Justice* (Toronto: University of Toronto Press, 1999), 31.

۴. حسام چنانچی و حمیدرضا دانش‌ناری، «الگوهای دوگانه فرایند کیفری: کنترل جرم و دادرسی منصفانه».

آموزه‌های حقوق کیفری ۴ (۱۳۹۱)، ۱۸۲.

کیفری، کارکرد مورد نظر خود را اعمال می‌نمایند، مانند الگوی عدالت ترمیمی که به فرض مثال در مرحله شروع به تعقیب توسط دادستان، جایگزین‌های تعقیب را پیشنهاد می‌کند؛ لکن مسئله مهم متعارض نبودن الگوهای مختلف و هماهنگی آنها با مبانی قانون‌گذار است. اگر قانون‌گذار بدون توجه به کارایی‌های مختلف الگوهای فرایند کیفری و هماهنگی بین آنها، اقدام به وضع مواد قانون نماید، تکه‌های به‌هم‌ریخته و نامرتب از مواد مختلف را در کنار هم جمع کرده است و گاهی ممکن است اجرای قسمتی از قانون، سدی در برابر اجرای مواد دیگر و اصول کلی آن باشد؛ بنابراین، مواد مختلف بدون وفاداری به الگوی مشخصی، به جای اینکه هدف آیین دادرسی کیفری یعنی نظم و آرامش را در جامعه تأمین کنند، وسیله‌ای برای احقاق خواسته‌های آنی قانون‌گذاران، تغییرات مکرر و غیرقابل توجیه و سوءاستفاده از قدرت خواهند بود، در این میان اتخاذ برخی از این الگوها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

«الگوی دادرسی منصفانه، نمونه آرمانی از نحوه عملکرد سیستم عدالت کیفری است که بر مبنای حاکمیت قانون بنا شده است»^۵ و از طریق سازمان قضایی قانونی، مستقل و بی‌طرف با قواعد دادرسی منصفانه، محقق می‌شود. تضمینات دادرسی منصفانه باید عینی و قابل احساس و دسترسی اشخاص باشند. بر اساس رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادرسی منصفانه یعنی شخص از مزایای آن عیناً بهره‌مند گردد در غیر این صورت هرگونه تعریف از دادرسی منصفانه مجازی خواهد بود.^۶ تساوی سلاح‌ها انصاف در معنای اخص می‌باشد.^۷ در نظر گرفتن معیارهای «الگوی دادرسی منصفانه»^۸ در قانون آیین دادرسی کیفری ضروری است، چراکه از طرفی «عقل سلیم»،^۹ اقتضای رعایت مساوات موقعیت اصحاب دعوا در مقابل قاضی و همدیگر را می‌نماید و از طرف دیگر، دادرسی منصفانه جزء ضوابط ساختاری اجرای عدالت می‌باشد که به دلیل رابطه جدایی‌ناپذیر بین برابری، عدالت و

۵. نسرين مهرا، «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز»، مجله فقه و حقوق ۱۶ (۱۳۸۷)، ۱۰۵.

۶. علی قربانی، *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر* (قم: انتشارات حقوق امروز، ۱۳۹۰)، ۱۵۴.

۷. ژان پرادل، گرت کورستنز و گرت فرملن، *حقوق کیفری شورای اروپا*، ترجمه محمد آشوری (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ۵۳۷.

8. Due Process Model.

۹. قضاوت مستدل برآمده از تجربه به جای مطالعه.

دولت قانون‌مدار، یکی از اصول حقوق طبیعی در فرایند رسیدگی محسوب می‌شود.^{۱۰} جزء مشترک مفاهیم عدالت در اسلام نیز رفتار بی‌طرفانه و رعایت برابری می‌باشد.^{۱۱} علاوه بر آن، احترام به کرامت انسانی و حفظ امنیت و آزادی و حق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه، یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر است که مورد اتفاق کلیه اسناد بین‌المللی حقوق بشری، همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر^{۱۲}، مقررات مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مخصوصاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۹۶)^{۱۳} قرار گرفته است. مهم‌تر از همه اینکه، وظیفه دولت در محقق ساختن عدالت و برابری و محافظت از شهروندان در مقابل دادرسی ناعادلانه و محکومیت نادرست که هسته اصلی الگوی دادرسی منصفانه را شکل می‌دهد، به وجود مراجع قضایی و امکان اعمال قدرت دولت از طریق قوانین دادرسی کیفری، اعتبار و مشروعیت می‌بخشد، در غیر این صورت به دلیل فاصله گرفتن قانون آیین دادرسی کیفری از مبانی خود، بحران در نظام عدالت کیفری اتفاق می‌افتد.^{۱۴}

در این نگارش درصدد تبیین این ابهام هستیم که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تا چه اندازه‌ای به الگوی دادرسی منصفانه گرایش دارد؟ و اساساً، قانون مذکور تا چه حدی، اصول، مقررات و سازوکارهای اجرایی لازم برای ایجاد دادرسی منصفانه را فراهم کرده است؟ در این راستا، به لحاظ حجم وسیع ویژگی‌های این الگو، شاخص‌های بارز آن مبنی بر استقلال و بی‌طرفی سازمان قضایی، برابری قضایی طرفین دعوی کیفری و حفظ حقوق دفاعی، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت، ماحصل این بررسی ما را به این نکته رهنمون خواهد ساخت که الگوی جهانی دادرسی منصفانه تا چه حدی مورد توجه قانون‌گذار ۱۳۹۲ بوده است و چه موانعی بر سر راه تحقق آن وجود دارد؟

برای تشخیص این الگو به اصول مندرج در قسمت کلیات قانون، بسنده نکرده و وارد

۱۰. محمد مهدی ساقیان، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران»، *مجله حقوقی دادگستری* ۵۶ و ۵۷ (۱۳۸۵)، ۸۰.

۱۱. حمید حاجی حیدر، «بررسی مفهوم جامع عدالت در اسلام»، *معرفت سیاسی* ۲ (۱۳۸۸)، ۱۱.

۱۲. ساقیان، پیشین، ۸۰.

۱۳. این عهدنامه بین‌المللی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به تصویب مجلس قانون‌گذاری در ایران رسیده است و از اعتبار قانونی برخوردار است.

۱۴. هانیه هژبرالساداتی و محمدجعفر حبیب‌زاده، «عدالت اجتماعی و عدالت کیفری؛ جدایی یا پیوند»، *آموزه‌های حقوق کیفری* ۸ (۱۳۹۳)، ۳۱.

بررسی معیارها و اثرات قابل‌پیش‌بینی آن در مواد قانونی می‌شویم، چه بسا علی‌رغم صراحت بیان قانون‌گذار مثلاً در خصوص اصل برائت، نوع سیستم کیفری به سمت و سوقی برود که اصل برائت عملاً محقق نشده و در شعاری مختصر و بلااثر در متن قانون باقی بماند.

۱- استقلال و بی‌طرفی سازمان قضایی

برای تحقق دادرسی منصفانه، علاوه بر رعایت بی‌طرفی ذهنی توسط مقامات قضایی، ساختار و عملکرد نهادهای مداخله‌گر در فرایند کیفری، باید به گونه‌ای باشد که قانون‌مند و مستقل بوده و بی‌طرفی را تأمین کنند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بر لزوم استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی تأکید کرده است، با امعان نظر بر این مورد که این دو مفهوم از همدیگر جدا بوده، در خصوص دادسرا و دادگاه به صورت جداگانه توضیح داده خواهد شد که به خاطر انسجام مطلب در یک بند ذکر شده است و در ادامه به این سؤال پاسخ خواهیم داد که قانون مذکور تا چه حدی شرایط تحقق این معیارها را فراهم کرده است؟

۱-۱- دادسرا

مقامات عهده‌دار وظیفه تحقیق (بازپرس) و تعقیب (دادستان) باید در انجام وظایف خویش مستقل باشند، استقلال به معنای عدم ارتباط بین دادگاه و اشخاص دیگری که به موجب قانون یا بالفعل دارای اختیاراتی باشند که بتوانند در برخی تصمیمات قضایی اعمال نظر کنند، می‌باشد.^{۱۵} بر اساس اصل استقلال، فعالیت‌های مقامات مختلف رسیدگی‌کننده به پرونده کیفری اعم از مقام تعقیب و تحقیق باید کاملاً از هم مجزا بوده و در اتخاذ تصمیمات دارای استقلال لازم و کافی باشند تا بتوانند فارغ از هرگونه ارعاب و تهدید و مداخله ناروا، وظایف خود را به خوبی انجام دهند؛ دادستان در انجام وظیفه تعقیب نباید تحت نفوذ هیچ فرد یا تحت تأثیر افکار عمومی قرار گیرد. استقلال بازپرس و دادیار نیز ضروری است، لکن دادیاران نمایندگان دادستان بوده و قرار بازداشت و قرارهای نهایی‌شان باید به تأیید وی برسد. در خصوص بازپرس نیز نظارت دادستان بر انجام تحقیقات، تکلیف بازپرس بر انجام تحقیقات مورد نظر دادستان، امکان درخواست دادستان در خصوص تشدید و تخفیف تأمین از بازپرس، امکان اختلاف دادستان با بازپرس در خصوص صدور قرار منع تعقیب (ماده ۲۶۹)، قرار اناطه

۱۵. آندرا ساکوچی، حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه، ترجمه مینا سیمپور (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ۲۲.

تبصره ۱ ماده ۲۱)، قرار بازداشت (ماده ۲۴۰)، صلاحیت و نوع جرم و مصادیق آن (ماده ۲۷۲)، تشدید و تخفیف تأمین (ماده ۲۴۴)، مخدوش‌کننده استقلال بازپرس است. ممکن است چنین تصور شود که دادستان در این مورد عامل نظارتی بوده و عدم نظارت منجر به خودکامگی بازپرس می‌شود، در حالی که پاسخ این است که چون دادستان مقامی است که برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران بر طبق مقررات قانونی، انجام وظیفه می‌کند^{۱۶} و زمانی که در امر تحقیق چه به صورت مستقیم یا نظارتی مداخله می‌کند، حتی اگر خودش هم بخواهد، به لحاظ ساختاری نمی‌تواند بی‌طرف باشد در حالی که نظارت باید از طرف مقام قضایی مستقل و بی‌طرفی صورت گیرد تا ذهن جانب‌دارانه‌ای در کار نباشد.

تحقیقات مقدماتی در ایران بر اساس «مدل دارای بازپرس» می‌باشد،^{۱۷} لکن به دلیل اینکه، بازپرس هم‌زمان دارای دو شأن تحقیقی و قضایی بوده و هم به جمع‌آوری دلایل و هم تصمیم‌گیری راجع به آنها می‌پردازد و مقام قضایی مستقل و بی‌طرف دیگری در خصوص ادله جمع‌آوری شده، ارسال یا عدم ارسال پرونده به دادگاه و محدود نمودن آزادی متهمین، تصمیم‌گیری نمی‌نماید^{۱۸}، در نتیجه به دلیل فقدان رسیدگی توافقی و قرار گرفتن بازپرس در مقابل متهم و فقدان طرفین دعوا، تصور بی‌طرفی کامل برای وی دشوار است. در نظام عدالت کیفری ایتالیا ترتیبی برای تأمین چنین بی‌طرفی وجود دارد، بدین صورت که «قاضی تحقیقات ابتدایی»^{۱۹} به عنوان قاضی بی‌طرفی پس از تحقیق در دادسرا، در خصوص ارسال یا عدم ارسال پرونده به دادگاه یا بایگانی نمودن آن تصمیم گرفته یا جلسه مقدماتی به صورت توافقی با حضور نماینده دادستان و متهم تشکیل می‌دهد و در واقع به عنوان صافی بین دادسرا و دادگاه عمل می‌نماید.^{۲۰}

۱۶. محمود آخوندی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹)، ۴۱.

۱۷. ایمان یوسفی، «بررسی تمایل جهانی به حذف بازپرس»، *مطالعات حقوقی* ۵ (۱۳۹۰)، ۲۱۶.

۱۸. در «مدل بدون بازپرس» تحقیق و جمع‌آوری دلایل برعهده دادستان بوده و تصمیم‌گیری راجع به ادله جمع‌آوری شده برعهده «قضات ناظر» می‌باشد. در فرانسه تصمیم‌گیری راجع به بازداشت برعهده «قاضی آزادی‌ها و بازداشت» می‌باشد. در انگلستان وظیفه تحقیق برعهده پلیس و «نهاد دادستانی سلطنتی» می‌باشد و تحقیقات مقدماتی دارای ارزش بیش از حد مانند مدل دارای بازپرس نیست.

19. Jip.

۲۰. محمد آشوری، «قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش»، *ماهنامه کانون وکلا* ۱۶۳-۱۶۰-۱۳۷۴ (۱۳۷۴): ۱۷۷-۱۵۵.

همان‌طور که ملاحظه کردیم، قانون آیین دادرسی کیفری، علی‌رغم تصریح به لزوم استقلال مراجع قضایی و رعایت بی‌طرفی توسط مقامات قضایی، الزامات ساختاری کافی در نهادهای کیفری را برای تحقق آن فراهم ننموده است و برخی از خصوصیات دادرسی مانع تحقق بی‌طرفی مقامات قضایی آن می‌باشد.

۱-۲- دادگاه

استقلال دادرسی دادگاه و رعایت بی‌طرفی توسط وی از موارد ضروری برای تحقق دادرسی منصفانه می‌باشد که گاهی این مهم به دلایلی مخدوش می‌گردد. با صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، دادستان یا نماینده وی، به عنوان مدعی در برابر متهم قرار می‌گیرد و قاضی دادگاه به «استماع اظهارات و دلایل دادستان که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود»^{۲۱} می‌پردازد. در این ماده گویا اثباتی بودن صفت ادله جمع‌آوری شده می‌باشد و دادستان تکلیف اثباتی مضاعفی جز قرائت کیفرخواست مانند احضار ادله زنده مانند شهود و کارشناسان از دادستان درخواست نمی‌نماید، شاید علت این امر آن باشد که از دیدگاه قاضی دادگاه، این دلایل از طرف مقام قضایی (بازپرس و دادستان) قبلاً اثبات و بررسی شده است و به دید ادله قابل قبول به آنها می‌نگرد. این مسئله، علاوه بر اینکه باعث ایجاد پیش‌زمینه ذهنی منفی مقام قضایی نسبت به متهم می‌شود، باعث نقض بی‌طرفی دادرسی نسبت به دادستان نیز خواهد شد، در حالی که مانند حقوق انگلستان، طرح پرونده در دادگاه با «پیش‌بینی واقع‌بینانه محکومیت»^{۲۲} توسط «نماینده دادستان»^{۲۳} که وابسته به قوه قضائیه نیست، راه حل مناسبی برای تأمین بی‌طرفی دادرسی دادگاه می‌باشد،^{۲۴} زیرا حداقل پرونده در ابتدای دادرسی به جای دلیل و یقین با ظن و تردید آغاز می‌گردد.

در خصوص دادگاه بخش و پرونده‌هایی که مستقیماً به دادگاه ارسال می‌شوند نیز وظیفه تحقیق و دادرسی، برعهده دادرسی دادگاه می‌باشد، متأسفانه در هر دو، امکان دادرسی در خصوص جرایم بسیار سنگین نیز وجود دارد، این در حالی است که موقعیت بی‌طرفانه دادرسی نسبت به متهم دچار تزلزل جدی است.

با توجه به اینکه در نظام دادرسی ایران، هدایت کامل جلسه دادگاه، صدور حکم و تعیین

۲۱. بر اساس بند ب ماده ۳۵۹.

22. Realistic Prospect of Conviction.

23. Prosecutor.

24. The Code for Crown Prosecutors, 4.4.

مجازات، تنها توسط دادرس دادگاه صورت می‌گیرد و علم قاضی به عنوان مهم‌ترین دلیل برای صدور حکم، اعتبار بیش از حدی دارد،^{۲۵} ضرورت رعایت بی‌طرفی بیش از هر نظام دادرسی دیگری احساس می‌شود؛ این بی‌طرفی، هم شامل، عدم وجود پیش‌زمینه ذهنی منفی دادرس نسبت به طرفین دعوا و هم فقدان انجام عملی است که قبل از دادرسی یا صدور حکم، بی‌طرفی وی را آشکار نماید. در این راستا، ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، موارد «رد دادرس» و ماده ۳۷۲، عدم اظهارنظر راجع به تصمیم اتخاذی قبل از صدور حکم را در نظر گرفته است، لکن برخلاف اصل شرط بودن عدالت قاضی و بطلان حکم صادره در صورت نقض بی‌طرفی در حقوق اسلام^{۲۶}، ضمانت‌اجراهای موجود دایر بر بی‌اعتباری حکم صادره نبوده و صرفاً برخورد انضباطی یا کیفری برای تضمین این مورد می‌باشد.

۲- برابری قضایی طرفین دعوای کیفری

انصاف در معنای خاص به معنای «اصل برابری سلاح‌ها» می‌باشد.^{۲۷} این اصل نخستین بار در کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار رفته است، بر اساس آن، «هریک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد»؛^{۲۸} در الگوی دادرسی منصفانه، متهم امکان تمهید دفاعیه برای جرح ادله دادستان و ایجاد شک و شبهه در انتساب جرم را دارد، برابری طرفین به این معنا نیست که متهم از وسایل و منابع مشابه دادستان برخوردار باشد، بلکه مقصود آن است که هر دو طرف در ارائه مطالبشان وسایل کافی در اختیار داشته باشند. در قانون آیین دادرسی کیفری، به اصل مذکور اشاره‌ای نشده است لکن موضوع قابل بررسی این است که قانون‌گذار تا چه حدی در جهت تضمین و رعایت آن گام برداشته است؟

۲-۱- جمع‌آوری دلایل

جمع‌آوری ادله، یکی از امور تحقیقی دادسرا می‌باشد که توسط دادستان، دادیار و بازپرس

۲۵. مستنبط از ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۶. هاشم هاشم‌زاده هریسی، اصول حقوق جزای اسلام، جزوه دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی (تهران: دانشگاه علوم تحقیقات تهران، ۱۳۹۳)، ۴۵.

۲۷. پردال، کورستنز و فرملن، پیشین، ۵۳۷.

۲۸. محمد آشوری و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت (تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ۳۲۸.

انجام می‌شود. در مرحله دادرسی ممکن است، این امر توسط دادرس دادگاه جهت کشف حقیقت صورت پذیرد. دادستان (دادیاران) به اقتضای امر تعقیب، صرفاً دلایل بر علیه متهم را جمع‌آوری می‌نماید و متهم به هیچ‌وجه از امکاناتی در حد وی در خصوص جمع‌آوری دلایل به نفع خود، برخوردار نمی‌باشد، در ماده ۹۳، بر لزوم رعایت بی‌طرفی بازپرس در کشف اوضاع و احوال به نفع یا ضرر متهم، تأکید شده است، اما انجام این امر بدون هیچ‌گونه جانب‌داری، به دلیل فقدان رسیدگی ترافیعی و یکسانی مقام جمع‌آوری‌کننده ادله و اظهارنظرکننده در خصوص آن، عملاً غیرممکن می‌باشد. علی‌رغم عدم امکان رعایت بی‌طرفی همچنان در قانون جدید بر حفظ بازپرس و دادیار بر اساس ساختار قانون قبلی، اصرار شده است، در حالی که تحقق اصول قانونی در پرتو تحول ساختاری امکان‌پذیر است.

توصیه قانون‌گذار بر رعایت بی‌طرفی توسط بازپرس در تنافی با مقررات ناظر بر تکالیف وی می‌باشد زیرا قانون‌گذار نه‌تنها تضمینات کافی برای جلوگیری از امکان نقض بی‌طرفی قبل از صدور حکم قطعی و ورود ضرر به متهم پیش‌بینی نکرده، حتی در برخی از مواد به صراحت، مقرراتی برخلاف آن پیش‌بینی کرده است، مانند این مورد که بر اساس ماده ۹۸، «جمع‌آوری ادله وقوع جرم» و «کشف جرم» به صراحت تکلیف بازپرس می‌باشد، در حالی که تکلیف اصلی وی باید جمع‌آوری دلایل به صورت همه‌جانبه باشد، به این صورت که در صورت تقاضای متهم، تکلیف بر تحصیل دلایل مورد درخواست وی را داشته باشد و یا اگر در جمع‌آوری دلایل با دلایل منتفی‌کننده جرم نیز مواجه شد، به صراحت تکلیف قانونی بر تحصیل آنها را داشته باشد، این در حالی است که قانون‌گذار مثلاً در ماده ۱۴۶ «اوراق، نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم»، ماده ۱۴۷ «آلات و ادوات جرم»، ماده ۱۴۸ «وسیله ارتکاب جرم»، ماده ۱۵۲ «مراسلات پستی مربوط به متهم یا ظن قوی به ارتکاب جرم»، ماده ۱۵۴ «اسناد و مدارک مربوط به کشف جرم نزد وکیل»، ماده ۱۵۱ «ادله وقوع جرم و امکان بازرسی حساب‌های بانکی»؛ به ذکر عبارت «جمع‌آوری دلایل وقوع جرم» به صورت کلی بسنده کرده است، در حالی که تحقق جرم، وضعیت ضررآمیزی بر علیه متهم می‌باشد، چه‌بسا در جمع‌آوری دلایل، در کنار ادله اثباتی برای تحقق جرم، ادله‌ای برای انتفای آن نیز وجود داشته باشد، لکن تکلیف صریحی بر جمع‌آوری آنها برعهده مقام تحقیق گذاشته نشده است. مثلاً در تفتیش و بازرسی منزل متهم، سند جعل‌شده متعلق به شاکی کشف شود، لکن نامه اذن شاکی در خصوص جعل، در محل کار وی باشد و موجب برائت متهم گردد، ولی مقام تحقیق تکلیفی بر کسب آن طبق قانون ندارد.

مقامات قضایی قدرت و امکانات کافی برای دستیابی به ادله مرتبط با اتهام را دارا می‌باشند، به طوری که عدم تبعیت دستگاه‌های دولتی از دستورات قضایی، دارای ضمانت‌اجرای کیفری نیز می‌باشد، حال در خصوص دلیلی که می‌تواند موجب براءة متهم گردد و نیازمند قدرت قضایی برای حصول آن است، لذا علی‌رغم تکلیف قانونی بازپرس بر اساس ماده ۹۳، بهتر بود ماده‌ای مبنی بر تکلیف قانونی صریح برای بازپرس در خصوص دستیابی به دلایل مرتبط با انتفای جرم نیز تسری می‌یافت و صراحتاً این اصطلاح در قانون درج می‌شد و این‌گونه نمی‌شد که مانند شرایط فعلی علی‌رغم حکم مندرج ماده ۹۳، مواد بعدی برخلاف این حکم کلی وضع شده و ناقض آن باشند.

۲-۲- سنجش اعتبار ادله جمع‌آوری‌شده

یکی از مواردی که کفه ترازو را به سمت مدعی سنگین‌تر نموده و موقعیت منفی برای متهم ایجاد می‌نماید، ادله‌ای است که در مرحله تحقیقات مقدماتی بر علیه متهم، جمع‌آوری شده است. این ادله شامل ادله ارائه‌شده توسط شاکی و جمع‌آوری‌شده توسط مقام تحقیق می‌باشد و در وصول بازپرس و در نهایت دادرسی دادگاه به قناعت وجدانی نقش اساسی ایفاء می‌نماید، از این‌رو قانونی بودن روش جمع‌آوری و صحت آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص لزوم بررسی صحت ادله‌ای که توسط بازپرس یا مقام قضایی جمع‌آوری می‌شود صراحتی ندارد، لکن در خصوص ادله جمع‌آوری‌شده توسط ضابطین دادگستری در ماده ۳۰ و ۳۶ مقرراتی را برای اعتبار گزارش آنان در نظر گرفته است، به طوری که از مفهوم مخالف در ماده ۳۶ چنین برداشت می‌شود که چنانچه گزارش ضابطین برخلاف ضوابط قانونی یا اوضاع و احوال مسلم قضیه باشد معتبر نمی‌باشد، در ماده ۳۰ نیز صرفاً تحقیقات ضابطین آموزش‌دیده که دارای کارت ضابط می‌باشند دارای اعتبار قانونی می‌باشد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اثبات بی‌اعتباری برعهده متهم می‌باشد و یا اینکه بازپرس وظیفه دارد قبل از اینکه از این ادله استفاده نماید، صحت و سقم آنها را بررسی کند و حتی نیازی بر اعتراض متهم نیز نمی‌باشد؟ به نظر می‌رسد بر اساس قواعد و اصول قانونی، مورد دوم بایستی ملاک عمل قرار گیرد، لکن لازم بود که قانون در خصوص تکلیف بازپرس بر لزوم بررسی صحت ادله و روش جمع‌آوری آنها قبل از اینکه ملاک تصمیم‌گیری قرار گیرد، صراحت کافی داشته باشد تا مقام تحقیق ادله جمع‌آوری‌شده توسط خود را بدون به کار بردن معیاری قانونی و صرفاً با توسل به ظن و گمان خود صحیح

نپندارند. همچنین لازم بود در صورت اعتراض به صحت ادله، رسیدگی توسط مقام قضایی مستقل مانند قاضی دادگاه صالح پیش‌بینی می‌شد، زیرا ممکن است در صورت اعتراض متهم به صحت ادله، بازپرس توجهی به آن نداشته و با توسل به اینکه از نظر وی صحیح است به درخواست وی ترتیب اثر ندهد و در عین حال هیچ عمل غیرقانونی نیز مرتکب نشده باشد، دادرسی دادگاه نیز نباید به صرف احراز اعتبار ادله توسط بازپرس در صورت درخواست بررسی مجدد، از رسیدگی امتناع نماید.

برخلاف ادله جمع‌آوری شده توسط ضابطین، در خصوص لزوم بررسی صحت ادله ارائه شده توسط شاکی مقررات صریحی وجود ندارد، لکن بر اساس اصول قانونی صحت آنها و مخصوصاً انتساب به متهم باید مورد بررسی قرار گیرد و بازپرس یا دادرسی دادگاه، نباید به صرف برداشت خود و با استناد به تشخیص شخصی، ادله را منتسب به متهم بداند، زیرا در این حالت وضعیت متهم را بدون آنکه استحقاق آن را داشته باشد، در حالت نابرابر با طرف دعوا قرار می‌دهد و وی مجبور خواهد شد در مقابل ادله‌ای دفاع نماید که هنوز دلیل بودن آنها محل شک و تردید است، برای مثال زمانی که شاکی در مقام اثبات رابطه نامشروع همسرش، پرینت مکالمات موجود در ایمیل متهمین را به دادسرا ارائه می‌دهد یا نامه‌ای ارائه کرده و ادعا می‌کند که متعلق به همسرش هست، بازپرس بایستی ابتدا انتساب آن را به متهم بررسی کند و صرف ظن خود بر انتساب را ملاکی برای تشخیص صحت ادله قرار ندهد.

قاعده «معتبر نشناختن ادله‌ای»^{۲۹} که برخلاف تشریفات و موازین قانونی تحصیل شده است،^{۳۰} در اسناد بین‌المللی و نظام عدالت کیفری کامن‌لا تا حدود زیادی موجب خروج دلایل غیرقانونی و تقویت موضع متهم شده است، لکن چنین ضمانت‌اجرایی در مقررات دادرسی کیفری جز در مورد ادله جمع‌آوری شده از طریق شکنجه (اصل ۳۸ قانون اساسی) وجود ندارد و این امر موجبات نابرابری قضایی را فراهم خواهد کرد. هرگونه ضمانت‌اجرای کیفری یا تخلف انتظامی در صورت اثبات، تأثیری در اعتبار رأی صادر شده نخواهد داشت.

۲-۳- ارسال پرونده به دادگاه با معیار کفایت ادله

یکی از مواردی که موجب از بین رفتن برابری قضایی طرفین دعوی کیفری در مرحله دادرسی می‌گردد، ارسال پرونده به دادگاه با قرار جلب به دادرسی، متعاقب وجود دلیل کافی

29. The Exclusionary Rule.

30. L J Liyod, *An Introduction to Policing and Police Powers* (London: Cavendish Publishing, 2005), 23.

بر علیه متهم است،^{۳۱} زیرا زمانی که متهم در دادگاه برای انجام دادرسی حاضر می‌گردد، با بار سنگینی از دلایل اثبات‌شده بر علیه خود مواجه است و برخلاف اصل برائت در پی تدارک دفاعیات برای زدودن دلایل بر علیه خود می‌باشد. این وضعیت باعث موضع ضعیف متهم نسبت به دادستان و شاکی در جلسه دادرسی می‌شود و اگر دلیلی بر علیه دلایل قبلی اقامه نشود، تعیین مجازات صورت می‌گیرد، در حالی که اگر پرونده با ظن معقول، به معنای وجود احتمال انتساب عمل مجرمانه از دیدگاه متعارف، به دادگاه منتقل شود، دادرسی با وجود دلیل معتبر قبلی آغاز نگشته و طرفین دعوا در موقعیت تردیدآمیز و برابری در مقابل دادرس دادگاه قرار می‌گیرند و مدعی مطابق با اصل برائت، مکلف به اثبات عناصر جرم می‌باشد و متهم در پاسخ به ادعاهای دفاعیات خود را ارائه خواهد داد. در حالی که در شرایط فعلی، به محض ارسال پرونده به دادگاه، متهم یا وکیل وی با ترس و دلهره از محکومیت، تمام توان خویش را برای دفاع در مقابل ادله موجود در پرونده به کار می‌گیرند.

۲-۴- امکان‌ات دفاعی در خصوص ادله انتسابی

امکان‌ات دفاعی، نقش متهم را در فرایند کیفری، از حالت منفعل به فعالانه تبدیل کرده به صورتی که متهم می‌تواند رفتار مجرمانه علیه خود را با استفاده از امکان‌ات دفاعی مقام قضایی رد کند، این امر با مشارکت در تحصیل دلیل، استفاده از معاضدت وکیل دادگستری محقق خواهد شد.

۲-۴-۱- مشارکت در تحصیل دلیل

مستنبط از ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم زمانی باید به بازپرس در خصوص اتهام انتسابی به خود پاسخ دهد که دلایلی برای توجه اتهام به وی وجود داشته باشد، از این رو امکان مشارکت در تحصیل دلیل برای جرح ادله مقام تحقیق، بایستی از مرحله تفهیم اتهام شروع شده و تا قبل از قطعی شدن حکم ادامه یابد.

بر اساس ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم بایستی از حقوق دفاعی بهره‌مند باشد. یکی از حقوقی که امکان دفاع کامل را امکان‌پذیر می‌سازد، فرصت استفاده از قدرت و امکان‌ات مقام تحقیق در تحصیل دلیل است، ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در

۳۱. ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی صادر ... می‌کند.»

جهت تضمین حضور فعال شاکی و متهم در تحقیقات مقدماتی، امکان درخواست هرگونه اقدام یا تحقیقی را که به کشف حقیقت کمک می‌کند، پیش‌بینی نموده است. در حالی که در قانون ایران، امکان درخواست تحقیقات مورد نظر متهم، فقط در خصوص تحقیق و معاینه محل، ارجاع امر به کارشناس و احضار شهود، صراحتاً پیش‌بینی شده است و در سایر مقررات، بازپرس در پذیرش درخواست متهم با تکلیف قانونی مواجه نیست و فقط اگر خودش لزوم آن را تشخیص دهد، اقدام تحقیقی را انجام خواهد داد. این امر موجب خلع سلاح شدن متهم در مقابله با دلایل علیه گشته و انصاف در دادرسی را به طور جدی مخدوش می‌نماید. در خصوص شاکی این امکان در هر موردی وجود دارد. به طوری که علاوه بر بیان صدمات روحی، فیزیکی و عاطفی تحمیل شده از جرم، وی در فرایند کیفری شرکت می‌کند تا دلایل و مدارک وقوع جرم را در جهت صدور حکم محکومیت متهم و تعیین مجازات وی و الزامش به پرداخت خسارت ارائه دهد. چنانچه ملاحظه نمودیم انصاف در خصوص چنین مشارکتی به نحو برابری وجود ندارد و لزوم اعطای امکانات کافی به متهم را نیز می‌طلبد.

۲-۴-۲- نقش فعالانه وکیل در فرایند کیفری

برای تأمین برابری قضایی برخورداری متهم از وکیل مدافع ضروری می‌باشد تا در مقابل بازپرس و دادستان که از قدرت و دانش حقوقی برخوردار هستند، در موضع ضعیفی قرار نگرفته و نظارت کافی بر روند اجرای قانون داشته باشد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی، تحولات مثبتی در زمینه دخالت وکلا پیش‌بینی کرده است، اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که مقررات مربوط به حضور وکلا در فرایند کیفری تا چه حدی جامع و تأمین‌کننده برابری قضایی است؟

دخالت وکلا به صورت امکان حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی به همراه متهم و اظهار مطالبی در جهت کشف حقیقت (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)، امکان ملاقات با فرد تحت نظر (ماده ۴۸)، امکان دسترسی و مطالعه پرونده (ماده ۳۵۱ و ۱۹۱)، امکان حضور و دفاع در تمامی دادگاه‌ها، حضور الزامی در دادگاه کیفری یک بجز جرایم سیاسی و مطبوعاتی (ماده ۳۴۸)، حضور به عنوان وکیل معاضدتی در تمام دادگاه‌ها می‌باشد (ماده ۳۴۷)، لکن حق داشتن وکیل در مرحله حساس تحقیقات مقدماتی، در مورد افرادی که وکیل تعیینی ندارند، بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۹۰، فقط به جرایمی که مجازات آنها حبس ابد یا سلب حیات می‌باشد، اختصاص داده شده است، «در حالی که رعایت تساوی بین اصحاب دعوا، ایجاب می‌کند که

به متهم فاقد امکانات مالی نیز اجازه داده شود که بتواند از معاضدت وکیل مدافع و مشاوره حقوقی رایگان برخوردار شود»^{۳۳}. در دادگاه کیفری دو، شاهد حضور الزامی و کلا نیستیم، لکن امکان درخواست وکیل معاضدتی وجود دارد و به لحاظ عدم اطلاع‌رسانی دادگاه در خصوص حق درخواست وکیل معاضدتی، بسیاری از افراد از این حق آگاهی نداشته و از امکان استفاده از آن محروم می‌شوند. امکان تضییع حق دسترسی به پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی با وضع معیار مبهم «تنافی با کشف حقیقت» با تشخیص مقام قضایی، در ماده ۱۹۱ قابل نقد می‌باشد، لکن لزوم صدور «قرار عدم دسترسی» در موارد ممانعت، موجب نظارت و کنترل بر رفتار مقام قضایی در خصوص محدود ساختن خودسرانه متهم در دسترسی به پرونده خواهد شد.

انتقاد دیگر فقدان ضمانت اجرای بطلان تحقیقات در صورت ممانعت از حضور وکیل مدافع می‌باشد،^{۳۳} علاوه بر آن، بهتر بود امکان حضور وکلای مدافع در تمام موارد تحقیقات مقدماتی به جای کلی‌گویی، صراحتاً و به تفکیک بیان می‌شد، مثلاً حضور وکیل در جلسه تحقیقات و بازجویی از متهم نزد ضابطین دادگستری، حضور در جلسه استماع شهادت شهود، معاینه محل، تفتیش و بازرسی منازل و اماکن؛ فقدان این تصریح باعث می‌شود که وکیل صرفاً در جلسه بازپرسی بتواند حاضر شود و در سایر موارد مانع حضور وی شوند.

۲-۵- رویکرد ترافعی در شیوه رسیدگی

ترافعی بودن، یکی از شاخص‌های بارز تأمین‌کننده برابری قضایی و بدین معناست که طرفین، در جلسه دادرسی حضور داشته و با استماع اظهارات و ملاحظه دلایل یکدیگر، متقابلاً از خود دفاع کنند.^{۳۴} با مذاقه در مقررات آیین دادرسی کیفری، به این نکته پی می‌بریم که امکان

۳۲. محمد آشوری، «فرض براءت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه‌ای تطبیقی)»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۲۹ (۱۳۷۲)، ۵۷.

۳۳. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ «ضمانت اجرای بطلان» برای ممانعت از دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی شده بود، مبنی بر اینکه، «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود» لکن در اصلاحات صورت‌گرفته این مورد متأسفانه حذف شد و صرفاً تخلف انتظامی برای مقام قضایی در نظر گرفته شد، از نظر نگارنده عدم پایبندی به الگوی دادرسی منصفانه یکی از علل تغییرات غیرقابل توجیه قانون است.

۳۴. مرتضی ناجی‌زواره، *آشنایی با آیین دادرسی کیفری: دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی* (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵)، ۴۸.

تحقق این امر به دلیل فقدان بسترهای اجرایی کافی با چالش‌های جدی روبه‌روست. مستنبط از ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی جز در خصوص جرایم قابل گذشت، غیرترافعی است، در نتیجه متهم امکان به چالش کشیدن شفاهی ادله طرف مقابل را در جلسه بازپرسی که به صورت ترافعی برگزار نمی‌شود، در مقابل مقام قضایی بی طرف ندارد و در برخی موارد نیز حتی حق اطلاع از ادله را به دلیل امکان ممانعت از دسترسی به پرونده ندارد، در نتیجه به دلیل ناتوانی در آماده کردن دفاع، قرار جلب به دادرسی دریافت می‌نماید و این امر باعث می‌شود تا وضعیت وی در دادگاه نیز نسبت به شاکی و دادستان در موضع فرودستی قرار گیرد، زیرا دادرس دادگاه به ادله موجود در پرونده که در مرحله دادرسی جمع‌آوری شده و دفاعیات قبلی طرفین اعتبار قائل شده و معمولاً طرح دفاعیات متعارض با مرحله قبلی را نمی‌پذیرد، در حالی که تشکیل جلسه رسیدگی ترافعی در دادرسی به تصدی مقام قضایی مستقل در زمان تکمیل شدن تحقیقات و اعطای فرصت مخدوش‌سازی ادله انتسابی به طرفین دعوا می‌تواند از این مشکل جلوگیری کند.

در ماده ۳۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، به ترافعی بودن رسیدگی تصریح شده است، لکن ارکان اساسی ترافعی بودن یعنی حضور طرفین دعوا در جلسه رسیدگی، پاسخ‌گویی شفاهی نسبت به دفاعیات ارائه‌شده، اطلاع از ادله طرفین و امکان به چالش کشیدن آنها،^{۳۵} بستر اجرایی کافی ندارد، مثلاً در رسیدگی‌های دادگاه کیفری دو، حضور نمایندگان دادستان الزامی نیست و در واقع یک طرف دعوا مفقود است و اگر جرم فاقد شاکی خصوصی باشد متهم به تنهایی در مقابل دادرس قرار خواهد گرفت و به جای اینکه با طرف دعوا وارد سؤال و پرسش متقابل شود، صرفاً در مقابل دادرس دادگاه که ادعاهای دادستان را بازگو می‌کند، به دفاع از خود خواهد پرداخت. مستنبط از ماده ۳۹۵، هدایت کامل جلسه دادگاه در حقوق ایران به دست دادرس دادگاه می‌باشد و اوست که از طرفین دعوا سؤال می‌پرسد و انجام دفاع در مقابل ادعای یک طرف منوط به اجازه و از طریق وی هست، در حالی که در دادرسی ترافعی، طرفین دعوا به صورت متقابل امکان دعوا و دفاع را دارند.

یکی از مواردی که بنیان‌های دادرسی ترافعی را متزلزل نموده و تحقق آنها را با موانع جدی روبه‌رو می‌سازد، عدم اطلاع متهم از ادعاهای او و ادله جدیدی است که در همان روز جلسه رسیدگی دادگاه ارائه می‌شود، زیرا وی فرصت تمهید دفاعیات در مقابل آنها را نخواهد داشت

و با وجود ضعف حاصل از آن دفاع خواهد کرد.

شاکی نیز در راستای دادرسی ترافیکی بایستی حق حضور در جلسه رسیدگی؛ حق رد دادرسان^{۳۶}، کارشناسان^{۳۷} و مترجمین؛ حق درخواست احضار شهود و مطلعین^{۳۸}؛ حق جرح شهود؛ حق ارائه دلایل و شواهد؛ حق اعتراض به تحقیقات^{۳۹}، قرارها و احکام؛ حق گذشت و حق درخواست تحقیق از حاضران در دادگاه بدون احضار قبلی^{۴۰} را داشته باشد که بر اساس قانون جدید از حقوق مذکور برخوردار است.

۳- حفظ حقوق طرفین دعوا

هدف دادرسی منصفانه حصول انصاف در فرایند دادرسی است، این مهم جز با هم‌ترازی حقوق طرفین دعوا محقق نمی‌گردد، این مورد که در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بدان اشاره شده است، به معنای برخورداری از خدمات مشابه نبوده، بلکه منظور آن است که رعایت حقوق یک طرف منجر به نقض حقوق طرف دیگر دعوا نگردد،^{۴۱} برخی از حقوقی که در زیر اشاره می‌شود به لحاظ ماهیت صرفاً در خصوص متهم و شاکی و برخی مشترک بین هر دو طرف می‌باشند.

۳-۱- حقوق مختص به متهم

یکی از مهم‌ترین حقوق متهم در دادرسی منصفانه برخورداری از اصل بی‌گناهی^{۴۲} می‌باشد، قانون‌گذار به صراحت به این مورد و به برخی از حقوق ناشی از آن مانند حق توجه به کرامت انسانی،^{۴۳} حق سکوت^{۴۴} و حق آزادی^{۴۵} صراحتاً یا تلویحاً اشاره کرده است. لکن گاهی به

۳۶. نک: ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳۷. نک: تبصره ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳۸. نک: ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳۹. نک: ماده ۳۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۰. علی حسین نجفی ابرندآبادی، *دادرسی عادلانه: تقریرات درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر* (تهران:

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵)، ۹۲.

۴۱. طیبه بیژنی میرزا، «رویکرد افتراقی در ترافیکی شدن دادرسی کیفری در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران» (رساله دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۵)، ۱۹۷.

۴۲. نک: ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۳. ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اجبار، اکراه و استفاده از کلمات موهون ممنوع است، همچنین در بندهای ۴، ۶، ۷، ۹ و ۱۰ قانون حقوق شهروندی بر رعایت رفتار انسانی و کرامت‌مدار با متهم در تمام

دلیل وجود ایرادات جدی تحقق عملی این اصل با موانعی روبه‌روست، دلایلی چون ارسال پرونده به دادگاه متعاقب اqtاع وجدان مقام قضایی، نقش فعال قاضی دادگاه در جلسه دادرسی به عنوان هدایتگر ادله، عدم لزوم اثبات دلایل استفاده‌شده در کیفرخواست مانند احضار شهود به عنوان ادله زنده و الزامی نبودن حضور نماینده دادستان در همه جرایم. گاهی شرایطی پیش می‌آید که علی‌رغم اشاره قانون به لزوم اثبات کیفرخواست تحقق چنین امری عملاً با چالش مواجه شود، در حالی که مواد قانون آیین دادرسی کیفری باید توان تأثیر عمده و مستقیم بر رفتار قضات را در عمل داشته باشد و صرفاً نوشتن موردی در قانون بدون طراحی سازوکارهای اجرایی لطفی ندارد.

۳-۲- حقوق مختص به شاکی

برای تأمین انصاف در دادرسی شاکی می‌بایستی در سراسر فرایند کیفری از حقوق تضمین‌کننده‌ای جهت طرح، اثبات و جبران زیان وارده برخوردار باشد، در همین راستا یکی از مهم‌ترین حقوق شاکی، حق شکایت توسط وی می‌باشد، این حق متضمن بهره‌مندی آسان و سریع بزه‌دیده از دسترسی به پلیس و مطرح کردن ضرر و زیان وارده بدون تشریفات و موانع اداری و همدلی پلیس و مقامات دادسرا برای کاهش آلام ناشی از جرم می‌باشد، فقدان تشریفات برای شکایت و شروع به تعقیب^{۴۶} و امکان شکایت از طرف دادستان^{۴۷} و سازمان‌های مردم‌نهاد بر مبنای حمایت از بزه‌دیدگان خاص^{۴۸} ناظر بر تأمین حق شکایت می‌باشد، لکن در خصوص لزوم رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده و اعطای امکان برای صحبت در خصوص درد و رنج وارده و استفاده از امکاناتی در جهت حمایت عاطفی، روانی، پزشکی و مشاوره حقوقی ماده خاصی پیش‌بینی نشده است،^{۴۹} در حالی که تحقق انصاف اقتضای

مراحل تأکید شده است و حتی عدم رعایت بندهای اخیرالذکر قانون حقوق شهروندی در مورد متهم با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مواجه است.

۴۴. نک: ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۵. ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری با پذیرش «اصل عدم جواز بازداشت موقت» نظر بر حقوق متهم بر آزادی داشته است.

۴۶. نک: ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۷. نک: ماده ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۸. نک: ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴۹. بیژنی میرزا، پیشین، ۱۹۹.

توانمندسازی شاکی برای اثبات ادعای خود در وضعیت مساعدی را می‌طلبد. علاوه بر این موارد لزوم جبران خسارت مادی و معنوی بزه‌دیده از دیگر حقوق وی محسوب می‌شود، جبران این خسارات در خصوص شاکی توسط مجرم و در موارد خاصی توسط دولت صورت می‌گیرد.^{۵۰}

یکی از حقوق دیگر شاکی حق برخورداری وی از امنیت توسط نهاد قضایی می‌باشد تا بتواند در وضعیت فعالانه‌ای در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی شرکت کند، در این راستا قانون‌گذار ممانعت از افشای اطلاعات هویتی و حفظ جان شاکی را به درستی پیش‌بینی نموده است.^{۵۱} با مذاقه در حقوق متعلق به شاکی چنین به نظر می‌رسد که شکات در مقایسه با متهم از حقوق و وضعیت مطلوبی در فرایند کیفری برخوردار هست لکن کاستی‌هایی در جهت تضمین تمامی حقوق وی وجود دارد.

۳-۳- حقوق مشترک

الگوی دادرسی منصفانه در جهت رعایت هم‌ترازی حقوق طرفین دعوا در فرایند رسیدگی یک طرف دعوا را از حقوق مشابهی که طرف مقابل نیز می‌تواند برخوردار شود، محروم نمی‌کند. در زیر به مهم‌ترین این حقوق که تأثیر بسزایی در حصول انصاف دارد، اشاره می‌گردد.

۳-۳-۱- حق اطلاع

پیش‌شرط ضروری هرگونه دفاع در رسیدگی‌های کیفری، آگاهی از اتهام انتسابی و دلایل آن و حقوق دفاعی می‌باشد^{۵۲} که بدون آنها استفاده از حقوق مزبور میسر نخواهد شد. تمامی

۵۰. دیوان اروپایی حقوق بشر ماده ۹ را به جبران خسارت در طول دوره فرایند کیفری اختصاص داده است. مطابق این ماده هر دولت عضو باید تضمین نماید که بزه‌دیدگان مستحق جبران در یک محدوده زمانی قابل قبول و منطقی به وسیله مجرم در طول فرایند دادرسی هستند، مگر در مواردی که قانون داخلی برای جبران خسارت روش دیگری را تعیین نموده باشد. لکن تأمین خسارت فقط برعهده مجرم نبوده و در صورتی که دسترسی به مجرم نبوده یا توان پرداخت خسارت را نداشته باشد، برعهده دولت می‌باشد، لکن در حقوق ایران جز در خصوص امکان تأمین خسارت وارده متعاقب حوادث رانندگی در موارد خاصی از طریق «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» سازوکار حمایتی دیگری در نظر گرفته نشده است. اعطای تسهیلات مالی از طرف دولت به بزه‌دیدگان جرایم مالی و فقدان امتیازاتی مانند اعسار و رهایی از ضمانت‌اجرای حبس بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت مالی برای محکومان جرایم مالی می‌باشد.

۵۱. نک: مواد ۲۲۸ و ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری.

۵۲. محمدعلی اردبیلی، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از اتهام و دلایل آن»، تحقیقات حقوقی ۴۳ (۱۳۸۵)، ۶۱.

نقش آفرینان فرایند کیفری تکلیف بر تفهیم اتهام به صورت مفصل، صریح و قابل فهم در هر مرحله‌ای دارند.^{۵۳} لزوم تفهیم اتهام به عنوان یک اصل کلی در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^{۵۴} مورد تأکید قرار گرفته است و در مواد ۱۹۵، ۵۵۴۶ و ۵۶۳۹۶ به ترتیب در مرحله تحت نظر، بازپرسی و دادرسی پیش‌بینی شده است. در مرحله تحت نظر این وظیفه برعهده ضابطین گذاشته شده و مطلع‌سازی باید به صورت کتبی باشد، مطلع‌سازی خانواده و نزدیکان نیز بر اساس ماده ۵۰ امکان‌پذیر است، لکن ایراد وارده امکان محدودسازی این حق با یک معیار نامشخص «ضرورت» می‌باشد که بهتر بود برای تشخیص مقام قضایی معیارهای مشخص‌تری پیش‌بینی می‌شد.

مطلع‌سازی از اتهام در مرحله تحقیقات مقدماتی در آغاز بازجویی انجام می‌شود و در مواردی که بازجویی بدون ابلاغ احضاریه شروع می‌گردد، مهلت کافی برای تنظیم دفاعیات و یا بهره‌گیری از مشاوره حقوقی یا معاضدت وکیل فراهم نیست، لکن در مرحله دادرسی لزوم ابلاغ کیفرخواست به متهم در ماده ۳۴۲ در راستای تأمین این حق پیش‌بینی شده است. حق اطلاع از دلایل اتهام نیز در راستای تأمین مؤلفه برابری سلاح‌ها و نویدبخش محاکمه عادلانه و منصفانه است^{۵۷} و از طریق دسترسی به پرونده و افشای دلایل از طرف

۵۳. در اسناد بین‌المللی در بند ۲ ماده ۹ و قسمت الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در بند ۲ ماده ۵ و قسمت الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از سرعت در تفهیم اتهام در کلیه مراحل سخن رفته. در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران از سرعت در تفهیم اتهام نزد ضابطین دادگستری سخن گفته شده، لکن در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیز از سرعت در تفهیم اتهام در ماده ۵ سخن رفته بدون آنکه مرجع تفهیم اتهام به صورت دقیق مشخص شود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۶ بر ضرورت تفهیم اتهام به زبانی که متهم قادر به درک آن باشد از یک سو و به ضرورت ورود در جزئیات اتهام از سوی دیگر تأکید ورزیده است: «هر شخصی که در مظان اتهامی قرار گیرد حق دارد که در کوتاه‌ترین مدت و به زبانی که با آن آشناست و به تفصیل از ماهیت اتهامی که بر او وارد آمده است، آگاه شود».

۵۴. ماده ۵: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق مذکور در این قانون بهره‌مند شود».

۵۵. ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس ... موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند ...»

۵۶. ماده ۳۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «رئیس دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن ... موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می‌نماید».

۵۷. محمد آشوری، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری»، مجله مجتمعه آموزش عالی قم ۳ (۱۳۷۸)، ۵۱.

دادستان محقق می‌شود، افشای دلیل، به معنای تکلیف دادستان بر در اختیار قرار دادن مدارک و مستندات است که قرار است بر علیه متهم استفاده شود یا برای دفاع به آنها احتیاج دارد.^{۵۸} تا در نتیجه آن متهم از امکانات کافی برای دفاع برخوردار باشد. در خصوص تکلیف دادستان بر افشای دلایل قبل از جلسه دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری ماده خاصی پیش‌بینی نشده است و لازم است که قانون‌گذار برای تحقق دادرسی منصفانه به این امر توجه داشته باشد.

برای تضمین یک دفاع مطلوب، لزوم اطلاع از حقوق دفاعی نیز لازم است، زیرا بدون اطلاع، امکان استفاده از آنها وجود نخواهد داشت، این حق در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است، لکن، جز در خصوص لزوم مطلع ساختن حق داشتن وکیل از طرف مقام قضایی در ماده ۱۹۰ و مطلع‌سازی حقوق فرد تحت نظر در ماده ۵۲ از طرف ضابطین دادگستری، در سایر موارد چنین تکلیفی برای مقام قضایی پیش‌بینی نشده است.

حق اطلاع در خصوص شاکی جلوه‌ای متفاوت دارد، بدین‌صورت که شاکی حق دارد در مورد روند رسیدگی، شانس موفقیت، فراز و نشیب‌ها، شکل و نحوه دفاع بزهکار، اعتراض بزهکار به تصمیمات قضایی و مدت فرایند دادرسی کیفری آگاه شود.^{۵۹} آگاهی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدتی جلوه‌ای دیگر از مطلع‌سازی وی می‌باشد که هر دو مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.^{۶۰} چنانچه ملاحظه می‌کنیم قانون‌گذار بی‌توجه به معیارهای دادرسی منصفانه نیست، لکن در راستای تحقق برخی معیارها دچار ضعف جدی است.

۳-۲- حق دادرسی علنی

اصل علنی بودن محاکمات ناظر به حمایت از حقوق اصحاب دعوا و نیز کلیه افراد جامعه است و حمایت از متهم در برابر محاکمات سرّی و جلب اعتماد عمومی برای اجرای عدالت را در پی خواهد داشت. از این رو علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق متهم در الگوی

۵۸. بر اساس ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی: «باید به محض فراهم شدن امکانات، مستندات را که در اختیار یا کنترل خود دارد و معتقد است که مبین بی‌گناهی متهم است یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد یا بر اعتبار مستندات بازجویی‌شده تأثیرگذار است را در اختیار متهم قرار دهد.»

۵۹. نک: ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری.

۶۰. نک: ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

دادرسی منصفانه می‌باشد که در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بدان اشاره شده است،^{۶۱} علنی بودن دادرسی را نمی‌توان حق مطلقاً برای متهم محسوب کرد، زیرا ممکن است حقوق سایر افراد با این اقدام در معرض خطر قرار گیرد از این رو قانون‌گذار در جهت رعایت حقوق جامعه و شاکی امکان تحدید آن را در ماده مذکور پیش‌بینی کرده است. ایراد وارده این است که به صراحت ماده ۱۹۲، تحقیقات مقدماتی غیرعلنی است، با اینکه علنی نبودن جزء ملزومات تحقیقات می‌باشد، لکن فراهم کردن سازوکار لازم جهت نظارت بر کارهای تحقیقاتی از جمله، بازجویی پلیس، مانند ضبط ویدئویی یا امکان حضور وکیل مدافع در حین تحقیقات تا حدود زیادی موجب حفظ حقوق متهم خواهد شد.

۳-۳-۳- حق رسیدگی در مهلت معقول

رسیدگی به یک موضوع در مهلتی معقول یکی از حقوق متهم و از اصول اساسی دادرسی کیفری منصفانه محسوب می‌شود.^{۶۲} مفهوم معقول بودن مهلت دادرسی آن است که با صرف مدت زمانی متعارف، بتوان به پرونده رسیدگی کرد. برخی سه معیار نوعی (عینی) و ذهنی (شخصی) و مختلط (بینابین)^{۶۳} را به عنوان محکی جهت تشخیص معقول بودن دوره دادرسی مورد شناسایی قرار می‌دهند، به صورتی که سرعت ناموجه و اطلاع دادرسی غیرقابل توجیه وجود نداشته باشد؛^{۶۴}

رعایت مهلت معقول هم در خصوص بازداشت متهم و هم کل جریان فرایند کیفری مطرح می‌باشد. قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مراجع قضایی را مکلف کرده است تا در «کوتاه‌ترین مهلت ممکن» رسیدگی و اتخاذ تصمیم نموده و از اطلاع دادرسی جلوگیری کنند، علاوه بر آن تعیین حداکثر مهلت در جهت حفاظت از حقوق متهم با در نظر گرفتن حداکثر مهلت ۲۴ ساعته برای مواردی چون تحت نظر قرار گرفتن متهم توسط

۶۱ نک: ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری.

۶۲ این امر در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قسمت ج از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.

۶۳ در معیار عینی تأکید بر تعیین مهلت دادرسی توسط مقنن است. در معیار ذهنی اوضاع و احوال هر پرونده است که مهلت معقول متناسب با آن پرونده را تعیین می‌کند. معیار مختلط از هر دو عامل فوق بهره می‌گیرد.

۶۴ محمود صابر و حسین ناظریان، «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۴ (۱۳۹۳)، ۴۷.

ضابطین دادگستری، اعلام نتیجه تفتیش و بازرسی به مقام قضایی، شروع به تحقیق توسط بازپرس، اعلام نظر دادستان در خصوص قرار بازداشت صادره توسط بازپرس در نظر گرفته شده است. تعیین ضابطه برای مدت قرار بازداشت به گونه‌ای که نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز ننماید و در نظر گرفتن حداکثر مدت بازداشت به میزان دو سال - در جرایم موجب مجازات سلب حیات - و یک سال - در سایر جرایم - در قانون جدید، گام مثبتی در جهت تعیین مهلت برای بازداشت تلقی می‌شود. از طرف دیگر عدم وجود مدت زمان در خصوص تحقیقات مقدماتی یا دادرسی مطابق با ماده ۳ از تسریع بیش از حد به ضرر متهم جلوگیری و موجب دقت بیشتری در صدور حکم خواهد شد.

در راستای تأمین رعایت مهلت معقول در مرحله دادرسی و جلوگیری از اطاله دادرسی، لزوم رسیدگی مقدماتی در دادگاه کیفری ۲ (ماده ۳۴۱) و «جلسه مقدماتی اداری» در دادگاه کیفری ۱ (ماده ۳۸۹) پیش‌بینی شده است، با توجه به اینکه در جلسه مذکور راجع به صدور قرار موقوفی تعقیب، بررسی نقض تحقیقاتی و صلاحیت دادگاه تصمیم‌گیری می‌شود و بررسی این امور مانند قانون سابق به زمان تشکیل جلسه دادگاه موکول نشده است تا حد زیادی تأمین‌کننده رسیدگی در «کوتاه‌ترین مهلت» می‌باشد؛ اما برخلاف رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، متهم در خصوص عدم رعایت «مهلت معقول» و زیر سؤال رفتن حقوق خود نمی‌تواند اعتراضی داشته باشد.

با اینکه به نتیجه رسیدن سریع پرونده بیش از هر موردی به نفع شاکی است، ممکن است صدور قرار موقوفی تعقیب بدون حضور شاکی و استماع اظهارات، نقض‌کننده حقوق وی باشد، لکن قانون‌گذار بین منافع حاصل از رعایت مهلت معقول و جلوگیری از اطاله دادرسی و لزوم بررسی این موارد با حضور شاکی که نیازمند تعیین وقت می‌باشد، مورد اول را برگزیده است، زیرا از طرفی موارد صدور قرار موقوفی تعقیب مطابق ماده ۱۳، مانند نسخ مجازات قانونی و مرور زمان و ... موارد مشخصی هستند که قاضی به تنهایی نیز می‌تواند وجود یا عدم آنها را بر اساس مدارک موجود در پرونده احراز کند و مانند بررسی ماهوی پرونده و در این وضعیت ... حقوق شاکی در معرض تضییع نیست، برای به حداقل رساندن نقض حقوق وی، مواردی چون امکان ارائه ایرادات توسط شاکی برای طرح در جلسه مقدماتی اداری و امکان حضور شاکی در موارد ضروری در خصوص دادگاه کیفری یک بر اساس مواد ۳۸۸ و ۳۸۹ پیش‌بینی شده است.

۳-۳-۴- حق برخورداری از تمهیدات دفاعی

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه وظیفه تحقق عدالت را برعهده دارد. وظیفه مذکور، اعطای امکانات خاص دفاعی برای متهم و شاکی را ایجاب می‌نماید. علاوه بر این، متهم مورد شکایت قرار گرفته و در پی ادعایی نیست که برای اثبات ادعا نیز هزینه صرف نماید. در این راستا، ماده ۵۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در خصوص در اختیار قرار دادن مترجم برای افرادی که نمی‌توانند به زبان فارسی سخن بگویند یا قدرت تکلم و شنوایی ندارد، تحصیل نظریه پزشکی در موارد ابتلا به جنون یا هر مورد تشخیصی دیگر، درخواست معاینه پزشکی، در اختیار قرار دادن استفاده از نظریه کارشناس رسمی دادگستری، هزینه نشر آگهی و ایاب و ذهاب شهود هیچ هزینه‌ای از متهم اخذ نمی‌کند و از این جهت مثبت ارزیابی می‌شود. علاوه بر آن در راستای تأمین زمینه‌های لازم برای اثبات ادعا و رعایت تساوی سلاح‌ها شاکی نیز بایستی از تمهیدات لازم در این مورد برخوردار بوده و هزینه‌ای نپردازد. در همین راستا ماده ۲۱۵ از شاکیان فاقد قدرت مالی حمایت می‌نماید.^{۶۵} امکان معافیت از پرداخت هزینه شکایت و یا دادخواست مطرح‌شده و عدم تحمیل هزینه‌های ناشی از عملکرد ضابطان بر شاکی از دیگر حمایت‌های این قانون می‌باشد.^{۶۶}

نتیجه

قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت به لزوم منصفانه بودن دادرسی اشاره نکرده است، لکن در اصول و مقررات به صورت پراکنده، بدون آنکه تحت پوشش الگوی منسجمی قرار گیرد به ذکر برخی از معیارهای این الگو اکتفاء کرده است، از جمله آنها می‌توان به اصل برائت، لزوم استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی، حفظ حقوق دفاعی، امکان حضور و کلا در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرد، لکن با درج برخی از این معیارها، نمی‌توان به فرایند کیفری منصفانه‌ای نائل گشت.

با اینکه نمی‌توان گام جدی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را در تحقق برخی از

۶۵ ماده ۲۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «... هرگاه شاکی به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته باشد یا احضار از طرف بازپرس باشد هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت خواهد شد ...»

۶۶ نک: مواد ۵۵۹ و ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری.

معیارهای دادرسی منصفانه مانند ارسال کیفرخواست به متهم، هشدار حقوق دفاعی به صورت کتبی به فرد تحت نظر و نقش فعالانه وکلا در مرحله تحقیقات مقدماتی را نادیده گرفت، لکن با بررسی دقیق جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه، به این نتیجه رسیدیم که امکان تحقق کامل این الگو به دلایل مختلفی نمی‌تواند وجود داشته باشد. این عدم امکان در درجه اول ناظر بر ساختار نهادهای قضایی و عملکرد متصدیان آن و در درجه دوم، ناظر بر نوع مقررات آیین دادرسی کیفری می‌باشد، به گونه‌ای که وجود تعارض بین مواد با اصول بیان شده، فقدان ضمانت‌اجرای مؤثر و زمینه اجرای عملی اصول قانون‌گذار مانعی بر سر راه منصفانه شدن دادرسی قرار می‌دهد. گاه قانون‌گذار به برخی از معیارهای دادرسی منصفانه اساساً اشاره‌ای نکرده و حتی در برخی موارد، مقرراتی کاملاً متعارض با آن وضع کرده است و گاه از برخی دیگر از معیارهای دادرسی منصفانه، صرفاً در لفظ پیروی کرده و سازوکار عملی کافی برای تحقق معیارها را فراهم نکرده است و اجرایی شدن آنها را در اکثر موارد به میل و سلیقه قضات واگذار کرده است؛ این مسئله ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که قانون‌گذار ظاهراً از برخی از شاخص‌های الگوی دادرسی منصفانه پیروی کرده و در واقع بیشتر به معیارهای الگوی کنترل جرم که نقطه مقابل دادرسی منصفانه هست، گرایش داشته است، در چنین وضعیتی نظام عدالت کیفری ایران با بحران مواجه خواهد شد، زیرا قانون آیین دادرسی کیفری با مبانی وجودی خویش در تضاد و تعارض قرار می‌گیرد، در حالی که اگر منطبق بر موازین و معیارهای الگوی جهانی دادرسی منصفانه باشد، می‌تواند، اهداف بنیادین آیین دادرسی کیفری را محقق ساخته و به عنوان ابزاری در دست دولت برای سوءاستفاده از قدرت قرار نگیرد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- آشوری، محمد، حسین بشریه، سید محمد هاشمی و عبدالمجید یزدی. *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- آشوری، محمد. «فرض برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه‌ای تطبیقی)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۲۹ (۱۳۷۲): ۷۲-۳۹.
- آشوری، محمد. «قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش». *ماهنامه کانون وکلا* ۱۶۳-۱۶۰ (۱۳۷۴): ۱۷۷-۱۷۳.
- آشوری، محمد. «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری». *مجله مجتمع آموزش عالی قم* ۳ (۱۳۷۸): ۶۴-۴۷.
- اردبیلی، محمدعلی. «تفہیم اتهام یا حق اطلاع از اتهام و دلایل آن». *تحقیقات حقوقی* ۴۳ (۱۳۸۵): ۹۴-۵۹.
- بیژنی میرزا، طیبه. «رویکرد افتراقی در ترافی شدن دادرسی کیفری در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران». رساله دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۵.
- پرادل، ژان، گرت کورستنز و گرت فرملن. *حقوق کیفری شورای اروپا*. ترجمه محمد آشوری. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
- حاجی حیدر، حمید. «بررسی مفهوم جامع عدالت در اسلام». *معرفت سیاسی* ۲ (۱۳۸۸): ۳۶-۷.
- ساقیان، محمدمهدی. «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران». *مجله حقوقی دادگستری* ۵۶ و ۵۷ (۱۳۸۵): ۱۱۰-۷۹.
- ساکوچی، آندرا. *حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه*. ترجمه مینا سیم‌ور. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- صابر، محمود و حسین ناظریان. «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی* ۱۸ (۱۳۹۳): ۱۷۶-۱۴۳.
- فرح‌بخش، مجتبی. «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم». *مجله حقوقی دادگستری* ۵۶ و ۵۷ (۱۳۸۵): ۱۳۶-۱۱۱.
- قپانچی، حسام و حمیدرضا دانش‌ناری. «الگوهای دوگانه فرایند کیفری: کنترل جرم و دادرسی منصفانه». *آموزه‌های حقوق کیفری* ۴ (۱۳۹۱): ۱۸۴-۱۶۷.
- قربانی، علی. *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. جلد اول. قم: انتشارات حقوق امروز، ۱۳۹۰.
- مهر، نسرین. «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز». *مجله فقه و حقوق* ۱۶ (۱۳۸۷): ۱۱۲-۹۳.

- ناجی‌زواره، مرتضی. آشنایی با آیین دادرسی کیفری، دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی. جلد اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین. دادرسی عادلانه: تقریرات درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵.
- هاشم‌زاده هریسی، هاشم، اصول حقوق جزای اسلام، جزوه دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه علوم تحقیقات تهران، ۱۳۹۳.
- هژبرالساداتی، هانیه و محمدجعفر حبیب‌زاده. «عدالت اجتماعی و عدالت کیفری؛ جدایی یا پیوند». آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۸ (۱۳۹۳): ۵۴-۲۵.
- یوسفی، ایمان. «بررسی تمایل جهانی به حذف بازپرس». مطالعات حقوقی ۵ (۱۳۹۰): ۲۳۳-۲۱۵.

ب. منابع انگلیسی

- Liyod, L J. *An Introduction to Policing and Police Powers*. London: Cavendish Publishing, 2005.
- Roach, Kent. *Due Process and Victims' Rights: The New Law and Politics of Criminal Justice*. Toronto: University of Toronto Press, 1999.

ABSTRACTS

Some of the Characteristics of the due Process Model in the Criminal Procedure Act 1392

Baharak Shahed

Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University,
Science and Research Branch, Tehran, Iran
Email: baharak.shahed@gmail.com

&

Dr. Nasrin Mehra

Associate Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: n_mehra@sbu.ac.ir

The Due process model, in terms of compatibility with the concept of Justice in Sharia, Principles of Criminal Procedure, the Constitution, the International Covenant on Civil and Political Rights 1996, human rights standards and common sense, should be of interest to the legislator and without it, the criminal justice system will be confronted with a crisis. The Criminal Procedure Act 1392 explicitly to the necessity of being fair trial has not mentioned, but the identification of some of the essential indicators of a fair trial has been necessary. Referable to the lack of modilization and structural barriers, legal and practical, and enforcement mechanisms, the creation of a fair trial does not have to be perfect. As noted scattered legislator to some criteria, without paying attention to specific measures, would not be comely to the transactions. Detailed recaps and predictions of future performance of the criminal justice may be predicted by model of criminal proceeding. The independence and neutrality of the judicial system, judicial equality and protect the rights of the accused in the criminal procedure law 1392, as the most important characteristics of a fair trial will be considered into.

Keywords: Fair Trial, Equality of Weapons, Rights of Accused, Disinterest of the Evaluator.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VI, No. 2

2018-2

- **Some of the Characteristics of the due Process Model in the Criminal Procedure Act 1392**
Baharak Shahed & Dr. Nasrin Mehra
- **Rationality Foundations of Situational Crime Prevention**
Dr. Mehdi Moghimi
- **Prevention of Transmitting Incomes of Organized Crimes in Iran's Criminal Law and International Documents**
Yaser Gholamnejad & Dr. Mohammad Ali Mahdavi Sabet
- **The New Criminal Procedure Law Approach to Witness and Informed Rights in the Preliminary Research Phase and its Compliance with International and Regional Documents**
Abbas Akhtari & Dr. Hassan-Ali Moazen Zadehan
- **Legal Analysis of the Illegal Alteration of Land Use by Fencing in Agricultural Lands and Gardens with an Emphasis on Judicial Precedent**
Dr. Hamid Bahremand & Naser Ghanbarian
- **Penological Analysis of Customary Penal Code**
Dr. Mahdi Sabooripour & Iraj Khalilzadeh
- **Feasibility Study of Utilization of Modern Criminal Institutions in Islamic Prescribed Punishments (Hodud)**
Hossein Khodayar & Dr. Rahim Nobahar

